

واکاوی گام بلند صهیونیست‌ها در مسیر بی‌سرزمینی فلسطینیان

کمپ دیوید؛ میراث منحوس در برابر صلح

اعلام نتیجه تحقیقات درباره سرنگونی هواپیمای روسیه
مسکو: اس‌رائیل توافق نظامی در سوریه را نقض کرد

روسیه نتایج تحقیقات خود درباره سرنگونی هواپیمای نظامی روسیه با ۱۵ سرنشین روز دوشنبه گذشته بر فراز آبهای سوریه توسط پدافند هوایی سوریه سرنگون شد که بعدها مشخص شد مانور جنگنده‌های اسرائیلی حین حمله به لاذقیه و اطلاعات مخدوش این رژیم به روسیه در نهایت به سرنگونی این هواپیما انجامیده است.

ژنرال ایگور کوناشنکف، سخنگوی وزارت دفاع روسیه امروز (یکشنبه) با اعلام نتایج تحقیقات روسیه گفت: نیروی هوایی اسرائیل با دادن اطلاعات غلط درباره منطقه مربوط به حملات هوایی برنامه‌ریزی شده خود در سوریه در تاریخ ۱۷ سپتامبر، روسیه را گمراه کرده است و بنابراین جت روسی IL-۲۰ نمی‌توانسته به مکان امنی برود.

این ژنرال روس در یک کنفرانس خبری درباره سرنگون شدن هواپیما IL-۲۰ روسیه در سوریه گفت: امروز اطلاعات دقیق درباره سقوط هواپیمای IL-۲۰ نیروی هوایی روسیه در نزدیکی سواحل سوریه در تاریخ ۱۷ سپتامبر ارائه می‌دهیم.

ما یک روایت دقیقه به دقیقه درباره این حادثه تراژیک ارائه خواهیم کرد روایتی که بر پایه قرائن‌های عینی از اطلاعات اداار از جمله سیستم نمایش اطلاعات هوایی پلوتو ارائه شده است.

بنا به اطلاعات ارائه شده از سوی این ژنرال روس، خدمه هواپیمای IL-۲۰ بعد از اصابت یک موشک به این هواپیما شروع به فرود اضطراری کردند.

کوناشنکف توضیح داد که یک هواپیمای اسرائیلی به سمت هواپیمای IL-۲۰ رفته که این مانور خلبان اسرائیلی از سوی سیستم‌های دفاع هوایی سوریه به عنوان یک حمله دیگر در نظر گرفته شد.

او گفت، خلبانان جنگنده‌های اف ۱۶ اسرائیل از هواپیمای روسیه به عنوان سیر در مقابل سیستم‌های دفاع هوایی سوریه استفاده کرده بودند.

او ادعاهای نیروی هوایی اسرائیل در خصوص حضور جنگنده‌های اسرائیلی در حریم هوایی اسرائیل در زمان شلیک موشک‌ها از سوی سامانه‌های هوایی سوریه را رد کرد و گفت: جنگنده‌های اف ۱۶ اسرائیل ۱۰ دقیقه بعد از دریافت اطلاعات درباره این سقوط، منطقه را ترک کردند.

او اظهار کرد: ارتش اسرائیل ۵۰ دقیقه بعد از اصابت موشک به هواپیمای IL-۲۰ روسیه پیشنهاد کمک داده است.

وزارت دفاع روسیه اعلام کرد که اسرائیل پیش از رخداد غم‌انگیز مربوط به هواپیمای IL-۲۰ به روسیه درباره مکان جنگنده‌هایش اطلاعاتی نداده بود.

بنا بر اعلام این وزارتخانه، اسرائیل با دادن اطلاعات غلط درباره منطقه حمله برنامه‌ریزی شده در سوریه، روسیه را گمراه کرد و بنابراین هواپیمای IL-۲۰ نمی‌توانسته به مکان امن برود. اسرائیل هشدار داده که در جنوب سوریه عملیات انجام می‌دهد و در شمال سوریه دست به حمله زده است.

همچنین نماینده اسرائیلی به طرف روسی نسبت به این حمله برنامه‌ریزی شده در سوریه به زبان روسی هشدار داده و فایل ضبط شده آن موجود است.

این وزارتخانه تصریح کرد که اسرائیل توافق امنیتی-نظامی با روسیه برای پیشگیری از حوادث در سوریه را با این روش که اطلاعات مربوط به عملیات را درست در زمان آغاز حمله انتقال داده، نقض کرده است.



سیدمحمد میرزامحمدزاده

ست انزیسکا، تاریخ‌نگار مناقشه فلسطین - صهیونیست ۴۰ سال بعد از قرارداد کمپ دیوید، حالا هم‌زمان با غیرمحرمانه شدن برخی داده‌ها در یافته که رژیم صهیونیستی چطور نقشه خود را برای اشغالگری اجرا می‌کند. او در تحلیلی برای مجله آمریکایی نیویورک تایمز نتایج بررسی این داده‌ها را منتشر کرده است.

این هفته رژیم صهیونیستی و مصر سالگرد ۴۰ سالگی قرارداد کمپ دیوید را جشن می‌گیرند، قراردادی که منجر به اولین معاهده صلح بین صهیونیست‌ها و دولت مصر شد. طبق این قرارداد مصر شبه جزیره سینا را که در جنگ ۱۹۶۷ از دست داده بود، پس گرفت و صهیونیست‌ها نیروهای خود را از این منطقه فراخواندند و در ازای آن امتیاز «به رسمیت شناخته شدن» را در خاورمیانه به دست آوردند.

آمریکایی‌ها قطعا در این یادبود به خود مفتخر هستند، چرا که نقش میانجیگری خود در این مذاکرات که منجر به قرارداد شد را به رخ می‌کشند، نقشی که همچنان از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین دستاورد دیپلماتیک در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر یاد می‌کنند. برای فلسطینیان اما این یادبود، زنده کردن خاطرات دردناکی از حمله‌گری سیاسی است. هر چند که کمپ دیوید برآمده از دولت کارتر مدال افتخاری برای آمریکا شد، در عین حال خنجری به پای آرزوی فلسطینیان به منظور دستیابی به دولت مستقل بود و در واقع منجر به اشغال کرانه باختری و غزه شد و حقوق اولیه آنها همچون تلاش برای احقاق حق را از آنها گرفت.

بر اساس یافته‌های نگارنده، داده‌هایی که اخیرا غیر طبقه‌بندی شده‌اند و از بیت‌المقدس، لندن و ایالات متحده آمریکا به دست آمده‌اند، نشان می‌دهد که چطور تلاش‌های گسترده مناجم بگین، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی منجر به آن شد که صلح مصر - صهیونیست با پیانه خودمختاری فلسطین اجرا شود. در واقع کمپ دیوید به بن بست سیاسی در خاورمیانه امروز منجر شده است.

در واقع کارتر هیچ‌گاه صرفا به

دنبال صلح بین صهیونیست‌ها و مصر نبود، بلکه او اولین رئیس‌جمهور آمریکا بود که از «سرزمین مادری» فلسطینیان سخن گفت. او در اوایل دوران ریاست‌جمهوری اش به دنبال داده‌ها در یافته که رژیم صهیونیستی چطور نقشه خود را برای اشغالگری اجرا می‌کند. او در تحلیلی برای مجله آمریکایی نیویورک تایمز نتایج بررسی این داده‌ها را منتشر کرده است.

دولت او طرح مخفی چیده بود که بر اساس آن صهیونیست‌ها از سرزمین‌های اشغال شده در ۱۹۶۷ عقب‌نشینی می‌کردند و وضعیت بیت‌المقدس به داوری می‌رفت و آوارگان فلسطینی ۱۹۴۸ حق بازگشت می‌یافتند. در واقع این طرح نسخه اولیه از چیزی بود که بعدها به عنوان «راهکار دو کشوری» معرفی شد. هر چند که منظور کارتر از «سرزمین مادری» محدود به نقطه کوچکی متصل به اردن می‌شد و از دولتی مستقل حرف نمی‌زد، ولی نگرش بلندمدت وی بازگرداندن کرانه باختری و نوار غزه بود.

برای این منظور کارتر به شدت با توسعه زمین‌های تحت اشغال رژیم صهیونیستی جایی که می‌توانست محل «سرزمین مادری» فلسطینیان باشد، مخالفت کرد و از مذاکرات مستقیم بین صهیونیست‌ها و سازمان آزادی بخش فلسطین که در آن زمان در حال تبدیل شدن به یک سازمان دیپلماتیک به جای نهاد مسلح بود دفاع کرد. دیدگاه کارتر اگرچه از سوی صهیونیست‌ها و بیشتر حامیان مقتدرش در ایالات متحده تقبیح شد، اما هم‌مدردی و علاقه رهبران عرب را بدنبال داشت به ویژه انورالسادات، رهبر وقت مصر و مدافع فلسطینیان که خواستار احیای منطقه مصر و در حال تغییر نگرش از سمت شوروی به ایالات متحده نیز بود.

در حالی که انورالسادات در ابتدا مشتاق به حمایت از کارتر برای احیای کنفرانس صلح منطقه‌ای بود، کم صبری او در مقابل اختلافات اعراب و تاکتیک‌های مذاکرات صهیونیست‌ها منجر به تصمیم یکجانبه او برای حضور در بیت‌المقدس در سال ۱۹۷۷ در تلاش برای احیای مذاکرات شد. با این اقدام، او روابطش با دنیای اعراب را تیره کرد و سهوا یک صلح دوجانبه محدود و فاجعه بار را رقم زد.

در حالی که به نظر می‌رسید

خاورمیانه بالاخره به یک توافق نهایی نزدیک شده و سه دهه جنگ و صدها هزار آواره فلسطینی در نهایت تعیین تکلیف می‌شوند، بگین، نخست‌وزیر جدید راستگرای صهیونیست‌ها نقشه‌های شومی می‌کشید و دست در دست انورالسادات مانی برای طرح صلح واشنگتن شدند.

صهیونیست‌ها و ایده‌های اشغالگرانه

بگین از ابتدا عنوان کرده بود که امکان ایجاد دولت مستقل فلسطین وجود ندارد. استفاده از اصطلاح «سرزمین «یهودا و شومرون» (اصطلاحی که برای کرانه باختری در کتاب یهودیان آمده است) دیدگاه وی را بر همه آشکار می‌کرد. پس از آنکه او در ماه می ۱۹۷۷ به عنوان اولین نخست وزیر حزب راستگرای سکولار لیکود انتخاب شد، به صراحت از «شهرک‌سازی یهودی‌ها در مناطق شهری و غیر شهری در سرزمین مادری» دفاع کرد.

سینا، داستان جذابی برای بگین داشت. صهیونیست‌ها شبه جزیره سینا را در ۱۹۶۷ از خاک مصر به اشغال خود در آورده بودند، اما در واقع این یک نقشه انحرافی بود و هیچ کدام از مناطق مذهبی مدنظر صهیونیست‌ها از جمله کرانه باختری را شامل نمی‌شد. بگین در اولین روزهای نخست‌وزیری اش از طرح صلح به شدت استقبال کرد و اشتیاق خود را برای خروج نیروهای صهیونیست از سینا ابراز داشت و آن را حسن نیت خود در قبال طرح صلح با مصر خواند؛ اما او هیچ‌گاه در مذاکرات صلح از کرانه باختری و نوار غزه نامی نبرد.

«قوانین صلح» بگین، در اولین دیدار او از کاخ سفید برای کارتر آشکار شد. بر اساس اسناد افشا شده اخیر، وی در این دیدار خطاب به کارتر گفته بود: «یهودا و شومرون و نوار غزه مال ما است و ما نباید آنها را تحت هیچ قانون یا ادعای مالکیتی قرار دهیم.»

دولت آمریکا بر این باور بود که می‌تواند دیدگاه‌های مخرب صهیونیست‌ها را با ایجاد تمایز بین دیدگاه‌های اولیه صهیونیست‌ها و نتیجه نهایی مذاکرات آنها با انورالسادات در اواخر ۱۹۷۷ و اوایل ۱۹۷۸ در منطقه منطبق کند. اما چیزی که آن‌ها پیش بینی نکرده بودند، کوتاه آمدن رهبر مصر از

غزه و همچنین تعیین مهلت زمانی برای شهرک‌سازی نشان داده بودند، اما دیدگاه محدود بگین صرفا به توافق صلح با مصر منجر شد.

اطلاعات بدست آمده اخیر در واقع نشان می‌دهد که چگونه زیرکی کارشکنانه نخست‌وزیر اسرائیل موضوع فلسطین را از کل فرایند جدا کرد، بدون آنکه مخالفت عملی انورالسادات را به دنبال داشته باشد و کارتر هم فکر کند که نتیجه تنها اندکی تغییر داشته است و در نهایت هیأت اعزامی صهیونیست‌ها ابهامات قانونی را علیه فلسطینیان اعمال کردند و توقف شهرک‌سازی یهودیان را نیز به مناطقی محدود کردند. از طرفی هر گونه اشاره‌ای به خودمختاری فلسطینیان نیز حذف شد و قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد که صهیونیست‌ها را ملل متحد می‌کرد از مناطق اشغال شده ۱۹۶۷ خارج شوند نیز در مورد «همه مناطق تحت مناقشه» اعمال نشد و در مورد بیت المقدس نیز هیچ عقب‌نشینی از سوی صهیونیست به چشم نخورد.

دخالت صهیونیست‌ها در نسخه آخر قرارداد نیز مشهود بود و به وضوح موضوعات مدنظر فلسطینیان به قرارداد دیگری تحت عنوان «چارچوب صلح در خاورمیانه» موکول شد که بر اساس طرح خودمختاری بگین نوشته شده بود و یک توافق انتقال قدرت با خودمختاری محدود در کرانه باختری و نوار غزه به شمار می‌رفت که قدرت کنترل منطقه‌ای می‌بایستی در آن مبهم بود. توافق دومی نیز تحت عنوان «چارچوبی برای نتیجه پیمان صلح بین مصر و رژیم صهیونیستی» نیز ۶ ماه بعد بین صهیونیست‌ها و مصر به امضا رسید. در واقع توافق صلح با مصر حربه‌ای برای جلوگیری از توافق با فلسطین بود. بر خی در همان زمان دریافتند که کمپ دیوید ابزار دولت بگین برای استحکام اشغالگری هایش در کرانه باختری و نوار غزه بوده و به شدت علیه امتیازات سادات موضع گرفتند. محمد کامی، وزیر خارجه وقت مصر، جشن اضمالی این قرارداد را با یکوت کرد و از سمت خود استعفا داد. سازمان آزادی بخش فلسطین فوراً کل قرارداد را رد کرد و هشدار داد که این طرحی آشکار علیه حقوق فلسطینیان است. یاسر عرفات، رهبر وقت فلسطین، ایده خودمختاری فلسطین را «چیزی در حد مدیریت فاضلاب» بر شمرد.

کمی پس از امضای معاهده صلح ۱۹۷۹، «مذاکرات خودمختاری» بین نمایندگان مصر، صهیونیست‌ها و ایالات متحده، ظاهرا برای خودمختاری فلسطینیان آغاز شد؛ هر چند که این مذاکرات با جنگ لبنان در ۱۹۸۲ رها شد،

اگر چه آمریکایی‌ها در پیش‌نویس طرح خود به وضوح علاقه خود را برای خروج صهیونیست‌ها از کرانه باختری و نوار غزه و همچنین تعیین مهلت زمانی برای شهرک‌سازی نشان داده بودند، اما دیدگاه محدود بگین صرفا به توافق صلح با مصر منجر شد

اما صهیونیست‌ها محدودیت‌های خودمختاری فلسطین را بدون هیچ توافقی اعمال کردند. صهیونیست‌ها دوباره نظر اتشان را در توافق ۱۹۹۳ اسلودر ظهور موسسه ملی فلسطین اعمال کردند: تعریف خودمختاری غیرمنطقه‌ای فلسطین و ادامه شهرک‌سازی صهیونیست‌ها و همچنین احتمال ضعیف حق مالکیت فلسطینیان هم حذف شد.

کارتر که خود حالا در قربانی کردن یک دستاورد مهم سیاسی در خاورمیانه شریک شده بود، از تلاش برای احقاق مرزهای فلسطین ناامید شد. او در آخرین دیدار خود با سفیر رژیم صهیونیستی خطاب به وی گفت: «نمی‌فهمم چطور قدرت اشغالگر، فلسطینیان را از حقوق اولیه انسانی خود محروم می‌کند و نمی‌فهمم چطور سه میلیون عرب دیگر را در سرزمین خود هضم می‌کنند به جای اینکه یهودیان را اقلیت بدانند. بگین برای تسلیم سینا شهادت به خرج داد اما این کار را برای نگه داشتن کرانه باختری انجام داد.»

۴۰ سال بعد از کمپ دیوید

چهار دهه بعد حق خودمختاری فلسطین همچنان ناکام مانده است. کمپ دیوید در واقع پیروزی برای دیدگاه صهیونیست‌ها بود که هر مقام آتی فلسطین را مجبور می‌کرد که به اشغال فلسطین تن دهد. بدون دولت مستقل در کرانه باختری، غزه و شرق بیت‌المقدس، فلسطینیان باید با تلاش صهیونیست‌ها برای چشم‌پوشی کردن از احتمال حق مالکیت واقعی خود بچنگند. مقامات صهیونیست با سفسطه هر کدام به نحوی حقوق فلسطینیان را نفی می‌کنند و حتی حق خودمختاری آنها را در مدیریت «آب، فاضلاب، برق، زیرساخت و غیره» خلاصه کردند.

حالا بعد از ۴۰ سال تأثیر حمله‌گری‌های مناجم بگین کاملاً مشهود است، این بار با حمایت فعال دولت آمریکا؛ با جشن گرفتن سالگرد صلح مصر و رژیم اشغالگر، در واقع آمریکا مهر تأییدی بر اقدامات اشغالگرانه آنها می‌زند. در واقع کمپ دیوید میراث منحوسی در مسیر صلح است: گامی محکم در مسیر بی‌سرزمینی فلسطینیان.

